

توضیحاتی در مورد معنای نجش

۱. خدعه و فریب در تحقق نجش

قوام نجش در باب معاملات، به خداع و تغیر است. اگر خدعه ای در بین نباشد، نجش صدق نمی کند. (مکاسب محرّمه، ج ۴۴۶، ص ۵)

یعنی مدح متاع مطرح شده برای این است که جوسازی کنند و در این فضا مشتری را به تصمیم گیری وادارند و فریب دهند. یا آنجا که کسی وانمود می کند مشتری است و می گوید: "این جنس را به صد واحد می خرم" درحالی که قیمتش مثلاً پنجاه واحد است، او قصدش خداع و تغیر است. (مکاسب محرّمه، ج ۴۴۶، ص ۵)

۲. عدم اشتراط موطنه در تحقق نجش

در صدق نجش، لازم نیست حتماً موطنه ای باشد؛ یعنی شرط نیست کسی که به عنوان مشتری خودش را جا می زند، قبلاً با مالک متاع، تواطؤ کرده باشد یا اگر از جنس تعریف می کند، تواطؤ کرده باشد. فرض کنید علی دلش می خواهد که احمد این جنس را بخرد؛ به فروشنده هم کاری ندارد، لذا طوری جوسازی می کند که احمد این جنس را بخرد. در اینجا نجش صدق می کند؛ چون کار او مبنی بر خدیعه و تغیر است. پس برای صدق عنوان نجش موطنه شرط نیست. بله، صورت موطنه، صورت روشن و واضح نجش است. (مکاسب محرّمه، ج ۴۴۶، ص ۵)

البته بحث ما در باب مکاسب محرّمه صورت موطنه است؛ چون فرض این است که می خواهیم بگوییم چون نجش حرام است، پس معامله واقع بر نجش هم حرام است. معامله واقع بر نجش این است که شخصی، با فردی دیگر -یا به نحو اجاره یا به هر نحو دیگر- تواطؤ کنند که او این کار را انجام دهد. می خواهیم بگوییم این اجاره و معامله باطل و حرام است. بنابراین اگرچه قوام نجش به تواطؤ نیست، اما آن نجشی که در اینجا مورد بحث است، نجشی است که با تواطؤ باشد. (مکاسب محرّمه، ج ۴۴۶، ص ۶)